هنگامی که آواز قواز رودخانه هیر مندشنیده می شود... مردمسيستانوبلوجستان خشكسالي هاراجكونه تابمي آورند

دعاىداريوش يكم، پادشاه هخامنشى كەمى گويد، «اى اهورامزدااى بزرگ آفريننده اين سرزه بزرگ، سرزمینم را از جنگ و خشکسالی و دروغ دور بدار »، بر خشکسالی به عنوان یکی از بدههای دیرینه طبیعی در سر شت سرزمین ما تأکید دارد. خشکسالی تاامروز گریبان سرزمین سک و نیمه خشک ایران را گرفته است. مردم جای جای این سرزمین، برای رویارویی با این پدیده و فراهم آوردن شرایط زندگی در این اقلیم، از قدیم تا جدید، راهکار هایی را جهت برون رفت اند. پدیده خشکسالی، ادواری و قهری است، در طول زمان تکمیل می شود و ار ران درپیس خودمانند پذینده حسحسانی، انوازی و قبوی است. در طول زمان تحقیل عی سود. اگر چاراه ای برای آن جسته نشود. مشکلاتی عدیده و نشکناهایی سخت را موجب می شود. منطقه سیستان از قدیم الایام با براه او با راها به این قبه طبیعی گرفتار آمده است. گزارش هایی تاریخی از این قبه طبیعی، از گذشته تا امروز روایت شده است.

ست، رودخانه هیرمند در این ســال کمآب شد

این رودُخانه تا سالُ ۱۳۲۷ روبهخشکی گذاشت و آب تالابهامون نیز کم شد. گندم در سیستان

درسال ۱۳۲۸ با افزایش قیمت فروخته می شد و مردم بی بضاعت برای خرید آن توانی نداد فقر بنابراين ميان مردم ينجه افكندو روستاييان را

اداشت برای یافتن شغل به شهرها روی بیاورند. گرسنگی تابدانجا پیش رفت که دل هر بینندهای

را بهدر د می آور د. دولت در این میان با فر ســـتادن

ر مقداری جوبه سیستان کوشیدنیازهای مردم را تا اندازهای رفع کند. این کمک اما بهدلیل خرابی پل

نورآب به دست مردم نرسید. دولت، مردم نیاز مندرا به ناچار در دو نقطه جمع کردتا نان به دست شان

برساند در اواخر این سال اما وبانیــز میان این

رر ر ر ر بی سی ر بی تا بینوایان خنه کرد.بنابر نوشته امین الله سرابندی، «سیل گرسنگان شهر را فرا گرفت. فرمانداری به

چند نفر از معتمدین شهر دستور داد تا نانوایی ها را در کنترل و تقسیم نان را برعهده بگیرند و چون

مُوقَع تقسیم َان چند نفر زیر دست و پامی مُردند. این تمهید نیز چارهساز نبود بنابراین عده زیادی

راهی دشت ترکمن شدند. در این دوسال

ر الابهامون خشک شدو تعداد زیادی دام هم تلف شدند. خشکسالی همراه با قحط سالی سال های

... 1777 a 1777

ــتان بەقدرى رقت آور است

كە بەتنىھايى خودرنجنامەاي

تهاییاری

در رویارویی با فشکسالی په هم

گرەمىخورد

و بلوچســتان در برابــر قهر

طبیعت و کاهـش بارشها

یی تردید مجبور بودهاند

آنان بسرای حفسر چاههای

عمیق و قنات، این رودخانه شگفت زیرزمینی، از قدیمالایام با یکدیگر همکاری می کردندو همگی

از فایدههای آن بهرهٔ میبردُند. فراوانی قناتها و چاههای این منطقه، این همیـــاری را مهر تأیید

میزند. لای روبسی و احیای قناتها و بازسسازی

، مُسعودشفُیق،پژوُهشگر ُ«پی ریزی تمدن کاریزی

و بنهبندی آب و همچنین طراحیی باغ ایرانی، با کهن الگوهایی ساختمند و کار کردهایی متنوع و

ههانی» از راهکارهای برونرفت از خشکسالی و

بیامدهای آن است. روشین است که تقسیم آب پهامندهای آن است. روشت است که تصبیم اب براساس بنه و باغهایی که با در نظر گرفتن شیب زمین و گردش آب در جویهای بسیار و ساختن استخر یا حوض آبیباری می شدند، نیز نوعی همفکری، همدلی و همیاری را می طلبیده است.

. حر ی حسی و معموری را می طبیده است. آب کم، بر این اساس به بهترین شیوه بهر مبر داری می شده است.

و آبسالار بانظامات ویژهای برای آبیاری،

ســ همفکری، هـ

۔ تور کار دولت اس

ت یاری به یکدیگر دهند.

از مصیبتهای مسردم

ستاناست».

دامگه حادثه

واره



گذریبر مرامنامه خبازان در روز گاران کهن

ایننان، طعم جوانمردی و فتوت میدهد

جایگاه مهم جوانمردان در انظار عمومی چنان بود ت مر عروه و مستند و عنت می توسیدند خود ربه جرگه آنسان گره بزنند از این رو در طسول تاریخ ایران . می بینیم که صنوف مختلف بازار به اینها پیوستهاند. خبازان، کفشــگران، آهنگران، قصابــان نمدمالان و سلمانىهاازاين دستصنفهابهشمارمى أيندوضع زندگی اصناف، به عوامل مذهبی و اخلاقی بســـتگی بسیاری داشت. جایگاهی که در سنت بدانان بخشیده مهدی کیوانی، مهارت و تجربه نیز وضع آنها را نزد

مشخصه های کلی اصناف را که نانوایان نیز در ردیف انها جای می گرفتند، می تــوان در این موارد خُلاصه کرد؛ اصناف دارای حق انحصاری در شغل خود بودند، برای انتخاب اعضا قوانینی داشستند، آموزشُ تنها در اصناف صورت می گیرد، آنها به کیفیت محصول شان توجه دارند، صنفها برای ابراز خواستهای سیاسی ر. نیز اقدام می کردند، اعضای یک صنف با همیاری های مالی نیاز های یکدیگر را رفع می کردند، حس یاریگری در آنها قوی است و بالاخره آن که هر صنف کار کردی مذهبی و آیینی نیز دارد. جایگاه خبـــازان یا نانوایان به عنوان صنفی که مردم بیشترین ارتباط روزانه را با د، بی ترِدید در این میانه جایگاهی درخور نعمق به شمارمي آيد.

. ــ چون دیگر صنوف با پیشینهای کهن رسته جُوانمردان جای می گرفتند. آنها فتوتنامهای به عنوان مرام نامه کاری در دست داشتند ٔ متنی با ریشههای کهن اساطیری که از پیشینه اندیشههایی بذيرفته شده سخن مي گفت. اين اصول نزد همگان ری رکز در ایروند با فرهنگ تصوف صورتی معنادارتر به خود می گرفت، فتوتنامه خبازان که در این جُا مدنظُر استُ و گویا تاریخش به دوران صفویه بازمی گردد، به دست مهران افشاری تصحیح نداین فتوتنامه به عنوان یک دستور کاریا اندرزنامهاي كهن براي روشن ساختن مسير حركت شاگردیانوآموز به کارمی آمدهاست. در متن فتوتُنامه خبازاُن، آداب و قواعدی که در صنف نانوایان بایدمورد نوجه قرار می گرفت، یادشده است. فتوت نامه خبازان با شرح داستان پیدایی شغل نانوایی که به حضرت آدم(ع) نسبت داده شده است، آغاز می شود و تا زمان عضرتمحمد(ص)پیشمی آید.

۔ جوانمردی بــا الگوهایـــی کهن همچون رســتم و را در دل داشــتند و ســودای برقراری آن را در سر می پروراندند و بسدان دست می زدنسد. بر آمدن یعقوب لیث صفار که رویگرزادهای از سیستان بود، سپس امیرمومنان علی(ع) که جوانمسردی را با پهلوانی یکجا در خود داشتند، در حافظه تاریخی ایرانیان جلوهای خاص دارد و از پس سده ها هنوز در ذهن هایمان جایگاهی ویژه و ممتاز را به خود یک نمونه بارز این مدعاست. او در برابر حاکمیت اعرابوظلم آنان به مردم قدعلم کرد.

تاریخ اجتماعی ایران زمین با فرهنگ جوانمردی،

پیوندی استوار دارد: فرهنگی که در هر دوره بنابر مقتضیات مختلف بهصورتهای گوناگون درمیان مردم کوچه و بازار رخنه داشـــته است. جوانمردان

که در طول تاریخ با نامهای عیاران یا فتیان خوانده شدهاند، با یاریگری، درستی، بخشندگی،

راستی و مهمان نــوازی، یــاد خود را بر پیشــانی

نخستين نانى كەپختە **وخیرگاهی کهبنامی شود** ا*ب*ه فرمان خــدای تعالی جبرییل آدم را نان پخ^ن

و حوارا خُمیر کردن تعلیم داد تا زمانی که شیث نبی پیدا شد و شیث را دست و پایی نبود آدم دعا کرد تا خدای تعالی شیث را دست و پایی کرامت نمود، بعد از آن شیبت خمیر می کردو اَدم نان می پختُ تا آدم را فرزندان بسیار شدندو ایشان نیز بدین کار ناتوایی ر مرب کردند.» نویسـنده مشـغول بودند و آن را تناول می کردند.» نویسـنده گمنام ایــن فتوتنامه، زمانی که بــه دوران حضرت ابراهیم(ع) میرسد، ابداع چوبه پخت نان را به او رر ۱۳۰۰ کیر نسبت داده است؛ چوبی که نان را با کمک آن از تنور درمی آورند. در پی آن به خیرات نان و گوشت توسط عَضرتُ اُبراهیمُ اشاره کرده است. ابراهیمُ خلیل الله در عین خیرات نان و گوشت می دید عده ای از مردم دو یا سَّهبار برای گرفتن خیرات می آیند و واهمه داشت از آن که خیراتش ضایع شــود، از این روی مسأله را به جبرييل عرض مي كندو جبرييل به او مي گويد، «خرگاهی ترتیب کن وازاندرون خرگاه چنان که روی کسی رانبینی طعام را به مردم می ده تا در خیرات ریا

البنّه أَن رابجايُ بايد آورد تااين كارو كُسُ

برنانوايان چەفرضوواجباست

اختصاص داده است. جوانمردان، آن گونه از اعصار مدور خبر داریسه، در زمان سخت گیری های مالی دور خبر داریسه، در زمان سخت گیری های مالی حکومت برای آن که به نهیدستان دست باری بدهند، گونهای مالیات میان خود، که بیشتر هم اهالی یک محله بودند، وضع می کردند و آن را به

فقیران و نیازمندان می رساندند. حضور و فعالیت جوانمسردان در زمان حکومتگری فرمانروایان ستمگر و سختگیر بی تردید پرنگ تسر بوده

وچشــمامید بســیاری از مــردم را به ســوی خود می کشــانده اســت. جالب اســت اما بدانیم خود

جوانمردان و عیساران نیز گاه از میان مسردم ندار و

روشن اُستَ که نظام استاد و شاگردی در این صنف نیز مانند دیگر صنوف برقرار بوده است. شاگر د تا به ر کرد. مرحله لازمنمی رسیدبایدمی آموخت و تعلیم می دید. این آموزش ها در قالب قواعد و تعهداتی اخلاقی در مرام نامه صنف که همانافتوتنامه آنان به شمار می آید، مطرح واز استادان به شاگردان منتقل می شود. «فرض است بر نانوا که اثبات و قواعد این کار را نیکو بداند و خدمت پیرواستاد را بجای آورد. فاتحه و تکبیر قبول خدمت پیرواستاد را بجای آورد. فاتحه و تکبیر قبول کند تاهر چه از این کار و کسب خورد، حلال باشد و بر کت بیندواگر چنین نبود، بر کتش نباشد و بهر ممند نر کی از کی این کار خورد و پوشد، بر وی حرام نشــود و هرچه از این کار خورد و پوشد، بر وی حرام باشد.زیرا که دانه گندم رامی کارند و پرورش می دهند . حرر و می دروند و پاک می کنند و خمیسر می کنند و نان می پزند، هزار کس در این شغل و مهمات در کارند. اگر پرسند که بر استاد نان پز چه چیز واجب است که باشد؟ اول، پیوسته با طهارت باشد و دویم پنج وقت نماز را به پای دارد؛ سئیم، روزه ماه رمضان و روزه ایام شریف کهمقرر کردهاند، بدارند، چهارم در کار شریعت و سوالات آن استوار باشد؛ هفتم فاتحه و تكب استاد و

وقتى ھيرمند، سرچشمەزندگى ر. خشکمیشود تاریخیدیندآب

حسجتهی سود در روایتهای قدیمی بستن سه سدیند آب، بند ریگ و بندمفسان در سیستان توصیه شدهاست توصیهای که در نتیجه عمل به آن، سیستان روی خوشی و آبادانی را می بیند، در غیر آن صورت باید باروزگاری سخت و خشک سر کند. رود هیرمند از مهم ترین رودهایی است که در حوضه آبریز هامون، نیاز مسردم این منطقه به آب را برطرف می سازد.قدمت این رود کهن و بستن سدبر آن، در اوستا درج شده و خشک شدن و کمآبی این رود در طُول تاریخ، رگُ حیات منطقه را خشکانده اُست سرن درین رو سیستان، یکی از معروف ترین براساس روایت تاریخ سیستان، یکی از معروف ترین خُشکسالی هایی که بر سیستان پنجه انداخت. روزگار طاهریان در سده دوم هجری بازمی گرد " کشید فردی، عبدالله بن طاهی را از وضع مردم سیستان آگاه کرد. حاکمان طاهری بدین تر تیب یس از یکسال به ضعیفان کمک کردند و سیصد پ ر ر ... هزار درم از بیتالمال به درویشان و تهیدستان دادند. گفته شده است که حاکم سیستان، همه ۔۔۔ ۔۔۔ سدہ ست محادم سیستان، همه دارایی بیتالمال را برای رفع نیازهای مردم بین آنان تقسیم کرد.

شرقايران نماياند خُشكسالي اخير دارندباید گفت دورههای خشکسالی یکساله هر ۲۰ یا ۳۰ سال یکبار و خشکسالیههای دو ساله هر ۴۵ تا ۵۰ ســال یکبار رخ داده اسـ يكُو دوساله خُود و دام را چندسال پيش تُر،از نرياچەھامون و مزارع انبار مى كردند. که وضع معیشتی خوبی نداشتند، راه مهاجرت و

زندگی در دیار غربت را پیش می گرفتند. درباره خشکسالی ۱۳۲۶ خورشیدی گفته شده

مردمدر خشكسالي هاي -۱۲۰سالهاخیرسید چهکردهاند

نين خشكسالي ین محدوده زمانی، در سال یں ۱۲۸۴ خورشیدی رُخ داد کـهقحطی وحشیتناکی را با خــود آورد. دومیـــن دوره خشکســالی که بــا قحطی و بیمـــاری وبا همـــراه بود در ۱۳۲۶خورشــیدی خود را بر مردم سیســتان تحمیل کــرد. ســومین و چهارمین خشکسالی نیز در سالهای

۔ آگاهی از این پیشینه، در گذن

یکساله هر ۲۰ یا۳۰سال یکباروخشکسالی های دو ساله هـ ۴۵ تا ۵۰سال بكيا، رخداده است. مردم با آگاهی زاب بیشینه، در گذشته باد رفتهبودندبرای رویارویی نرفتهبودندبرای رویارویی باييامدهاي خشكسالي، راههاییرادر پیشگیرند

بنابر آنچه کهنسالان منطقه به یاددارندباید

گفت دور مهای خشکسالے

۱۳۴۹ و۱۳۹۳، چهره خشمگین خودرادر جنوب دارد. بنابر آنچه استادامین الله سرابندی گزارش است. همچنین بنابر آنچه کهنسالان منطقه به یاد ی رین پیسیده در مسته یاد ترفته بودند برای رویارویی با پیامدهای خشکسالی، راههایی را در پیسش گیرند از جملـه دامــداران، خوراک



ر صور را صحیحی طرحت. گوشهای دیگر از این آییسن، به انجهام حرکات



باشد؛ نهم با مردمان عجب و تكبر نكند؛ دهم با همه كس لطف و احسان و دردمندی بجای آورد؛ يازدهم

شاگردان را تُعلیم وارشُاد کند، زیرا که او خُلیفه ایشان است، دوازدهم ایمان و اسلام را به شاگرد بیاموزد،

سيزدهم ُخطبه خرقه كار را بداند و هر رُوز بخواند. چهاردهم دكان وسر كار نانوايي رابه صفادار د، پانزدهم

بر آن کوشد که همیشــه چراغ استادان روشن باشد.

شانزدهكم باياران وبرادران اهل طريق كرم وجوانمردى

بجـای آورد، هفدهم چون خواهد که دسـت به کار

برد، روح پیران و پیشقدمان را فاتحه و تکبیر بخواند؛ و هشدهم حرمت و عزت برادران اهل طریق را نگاه

دار د، نوز دهم همیشیه به فکر و ذکر باشید، بیستم

مسُکیناُن و غریبان را گرامی دارد،بیستویکم بردبار و باتحمل باشدوبیست ودویم کینه دار وباتعصب نباشد

بیستوسیم غیبت نکند و فحش نگوید، بیست و چهارم چون کار را تمام کندروح استادان و پیشقدمان

۱۳۷۰ (۱۰ ۵٫۰۰۰ / ۱۳۰۰) را فاتحه و تکبیر بخواند» بر خمیر گیر نیز هفتچیز واجب است: «طهارت، گفتن بسـمالله الرحمن الرحیم، سخن نگفتن در وقت خمیر گرفتن و رعایت

پاکیز گی، ذکر گفتن، ایمان واسلام نیکو داشتن، پاکی و صفا داشتن در کار، نرنجاندن کس». به نان فروش

نم توصیه می شدود که با طهارت باشد و راستگو و از

ر ر رر این علی می توان گفت که تاریخ ایران بانظامات خاصی که بر روح و بدنه جامعه گسترده شده بود،

حیات خود را در اعصار مختلف سیپری کرده است: نظاماتی که برساخته جامعهای آرمانسی و دلخواه

سـت، در آن همه با دسـت یاریگــر و دل و وجدانی

انسانی، زندگی را به آســـانی و با پیوندهایی عمیق و معنوی از سرمی گذرانند. آنچه گفته آمد شایدامروزه

کمتر به صورت گذشته به چشم می خورد اما در نوع خود در وجهــی تطبیقی با زمانه گاه قابل مشــاهده

ت. نانوایی هایی کمه در نزدیکی ما جمای دارند

وستر تبلیغی که بر دیوار نصب کردهاند از پایبندی

پر به آداب سـفره و حفظ حرمت نان سخن می گویند این پوســترها گویی حلقهای ظریف اســت که این

این پوسسرها تولی خفتها هنریت است به این صنف را به گذشته پیوندمی دهد. ناتوایان صبح را با یادخدا می آغازند، نخت شدن صبح را بر پیشانی می گذارندوخدار اشکر می کنندمی کوشندد و منف خود بهترین باشند و مشتریان را باروی خوش و دادن نان خوب راضی و خشنود کنند

ـُتُ ندارند، اما با برگزیدُن

و در صور ت بی ادبی ،استاداو را تنبیه کند.

نمایشی ورزش زورخانه ای اختصاص دارد که توسط عدهای دیگر از مردان انجام می شود. نیکوکارانی همچنین پشُــتیباُن مالی این آییــن ُو برگزاُری آن هســتند بهطور مثال، روی بیلبوردی تبلیغاتی که در یکی از جشنهای اخیر بیل گردانی، در شهر به نمایش در آمده است، ستاد مردمی بیل گردانی شهر از نیکوکاران نیمور که بیمارســتان و مدرسهای را بنا

گذاردهاندسیاسگزاری کردهاند. برگزاری و گرامیداشت آیین ب صورهاستسهیستورری فرهاند. بر گزاری و گرامیداشت آیین بیل گردانی در شهر نیمور و انجام این گونه اقدامات نیکو، نشـــان دهنده کمک به دیگراُن و نیز دوستداری طُبیَعت و زمین و آب میداننــد. اینان، خیرخواهی امــروزی خود را با آیین همدلانه کهن بیل گردانی گره میزنند و حس ز شـعف وافتخار به تاریخ پرمعنای سرزمینمان را ا در دلها پدید می آورند. همچنین معناهایی عمیق ز انسان دوستی و دگریاری را در حافظه ارزش تاریخی ثبتمی کنند.



پیدانشود."ابراهیم(ع)نیز چُنین می کندو گفتُه شُده کهنام خر گاهنخست خیر گاهبودهاست. پیر داشته باشد؛هشتم فرمانبر دار استادان واهل طرق پاسداشت همدلی ها و همیاری ها در هزار توی هزاره های گذشته آيين بيل گرداني در شهر نيمور محلات و هُمدُلیهایی پرمعنا بازمی گردد؛ یاریگریهایی که در پرتو پاسداشت و شــکرگزاری از نعمات پروردگار وند مراسم أغازين أيين معمولا روى سكويي این حالت باید پای راست جلو قرار گیرد تا تعادل فر د شکل می گیرد. عدهای در یک سو، چهار بیل و برخی در سـوی دیگر سـه بیل را به هم گره می زنند. اینان ے حفظ شود.این آیین با نشان دادن قوت بازوی مردان

بزرگ،معانے ن پیا و ماندگار به زندگی می بخشید. .رر جشــن بیلگردانی در شــهر نیمهور محلات در زمره آیینهای کهن اســت که پیشـــینهای دوهزار ساله نارداین آیین در سال ۱۳۸۹ خورشیدی در فهرست میراشمعنوی ایران به ثبت رسیده است. بیل گردانی در ایران باســـتان، جشنی پهلوانی بهشمار می آمُده و با کشــاورزی و زمان آبیاری ار تباط داشته است. این آیین از یک سو به خستگی ناپذیری و گرامیداشت ""ی کرد" همیاریهای مردمی اشــاره روشــن دارد که نتیجه آن، بخشیدن طعم شادی به زندگی بوده، همچنین س. به سیان سیام سایق بردستی بردستین از سوی دیگر به روشنی از زور و پهلوانی انسان در ستیز بادشمنان نشان داشته است.بیل گردانی البته گونهای سپاسگزاری از آناهیتا یاالهه آب بهشمار می آمده و به

معنای طلب برکت و آب از این الهه بوده است. جشن بیل گردانی در منطقه کنونی نیمور، با آغاز فصل بهار و کشُت همزُمان است. گروهی از مردانُ که شـغل کشــاورزی دارند برای لای روبی شاجوب یا نهر بزرگ نیمورُ، دُر مسَـجدُ جامع شُـهر حضُور میابند، سـپس باانجام لایروبی که تا یک ماه نیز ی... به درازا می کشد، جشن سنتی بیل گردانی را بر گزار می کنند. این جشسن در میدان اصلی نیمور بر گزار می شود. کسانی که در لایروبی شرکت داشتهاند تا